

اعلان جنگ علنی به نظم موجود، دست‌آورد اول ماه مه

جنبش کارگری ایران، جنبشی پیشتاز علیه نظم موجود، روند رشد و تکامل خود را در جریان هر حرکت و رویداد، آشکارا نشان می‌دهد.

اول ماه مه امسال را از جهات مختلف باید یکی از نقاط برجسته، در فرایند رشد آگاهی، همبستگی و روحیه رزمندگی و مبارزه‌جویی این جنبش دانست.

شرایط سیاسی که رژیم اختناق و دیکتاتوری عریان به توده‌های مردم ایران تحمیل کرده است، بر کسی پوشیده نیست. جمهوری اسلامی که با موجی از نارضایتی توده‌ای رو به روست، تمام دستگاه پلیسی و امنیتی خود را به کار گرفته است، تا مانع از هر گونه ابراز علنی مخالفت در شکل سازمان یافته آن گردد و هر تجلی و بروز آن را بی‌رحمانه و وحشیانه سرکوب کند. تحت چنین شرایطی است که به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه، فراخوان برگزاری مراسم علنی روز جهانی کارگر در تهران، توسط "کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه" انتشار یافت که متشکل از ده سندیکا و تشکل‌های فعالین کارگری بود. نفس این اقدام که گرایش‌های مختلف درون جنبش کارگری فراخوان مشترکی را برای برگزاری علنی مراسم اول ماه مه در شرایط حاکمیت رژیم دیکتاتوری و اختناق انتشار می‌دهند، بی‌نهایت حائز اهمیت است.

اما اهمیت مسئله هنگامی بیش‌تر آشکار می‌گردد که توجه داشته باشیم، این فراخوان، یک فراخوان معمولی نبود، بلکه یک بیانیه سیاسی بود. صرفاً یک بیانیه سیاسی معمولی هم نبود، بیانیه‌ای علیه نظم سرمایه‌داری در ایران و جهان بود. در فراخوان آمده بود: "اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر و روز جوش و خروش کارگران در سراسر جهان برای رهایی از مشقات نظام سرمایه‌داری و بیان خواست‌های آنان جهت برپایی دنیایی عاری از ستم و استثمار است. امسال، ما کارگران مراسم اول ماه مه را در شرایطی برگزار می‌کنیم که نظام سرمایه‌داری در گرداب یک بحران عظیم اقتصادی ویران‌کننده فرو رفته است و در حال دست و پا زدن برای نجات خویش از آن به سر می‌برد. بحران عظیم اقتصادی موجود و عجز دولت‌های سرمایه‌داری در مهار آن و سرریز کردن بار این بحران بر دوش کارگران جهان، بیش از پیش، گنبدی‌گی این نظام را پس از فروپاشی بلوک شرق و ادعای پایان تاریخ به نمایش گذاشت و ضرورت برپایی دنیایی فارغ از مناسبات ضد انسانی سرمایه‌داری را به مثابه یگانه راه خلاصی بشریت از مصایب موجود در برابر کارگران و بشریت متمدن قرار داد." فراخوان سپس با اشاره به مصایبی که نظام سرمایه‌داری در ایران برای کارگران به بار آورده است، می‌افزاید: "ما کارگران در مقابل این وضعیت به غایت ضد انسانی و گسترش عمق و دامنه آن سکوت نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد، بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند. ما تولیدکنندگان اصلی ثروت و نعمت در جامعه هستیم و حق مسلم خود می‌دانیم تا با بالاترین استانداردهای حیات بشر امروز در آسایش و رفاه زندگی کنیم. داشتن یک زندگی انسانی حق مسلم ماست و ما برای تحقق آن تمامی موانع پیش روی خود را با برپایی تشکل‌های مستقل از دولت و کارفرما و با اتکا به قدرت همبستگی‌مان از سر راه خویش برخوایم داشت."

از همین دو پاراگراف می‌توان دریافت که چه جسارت و شجاعتی در جنبش کارگری ما برای رودرویی با تمام نظم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران وجود دارد و این جنبش، در بطن مبارزات طبقاتی سال‌های اخیر چه گام‌های بزرگی به پیش برداشته است.

بنابراین مفهوم است که چرا خشم ارتجاع حاکم، چنان برانگیخته شد که با تمام قدرت سرکوب‌اش به مقابله با مراسم اول ماه مه برخاست. فراخوان، اعلان جنگ علنی به نظم حاکم بود. ارتجاع طبقاتی و مذهبی، با شنیدن این صدای کارگران از خشم به خود پیچید. چرا که می‌داند، این صرفاً صدای صدها و هزاران کارگر پیشرو و آگاه نیست، بلکه زمزمه‌های میلیون‌ها کارگر است که در اول ماه مه به فریادی رسا تبدیل شده است. ارتجاع بر خود لرزید، هنگامی که از اقدام مشترک تشکل‌ها و گروه‌های کارگری باخبر شد. خشم ارتجاع به نهایت رسید، هنگامی که دید، کارگران مقررات نظم استبدادی را زیر پا نهاده و قصد برپایی علنی اجتماعات را دارند، آن هم در تهران، در مرکز فرمانروایی ارتجاع، در جایی که همواره تعیین‌کننده سرنوشت تحولات در ایران بوده است. لذا با توجه به تمام جوانب این فراخوان، پوشیده نبود که رژیم نه تنها تمام نیروی خود را به کار خواهد گرفت تا مانع از برگزاری مراسم گردد، بلکه به وحشیانه‌ترین شیوه‌های سرکوب نیز متوسل خواهد شد. روز اول ماه مه، هزاران نیروی ضد شورش پلیس، بسیجی و اطلاعاتی، محل تجمع را در پارک لاله به محاصره خود درآوردند و با یورش ددمنشانه و ضرب و شتم مردم، حدود ۱۵۰ تن را بازداشت کردند. دو هفته پس از اول ماه مه، هنوز اغلب دستگیر شدگان در زندان اوین گرفتارند. به رغم تجمعات اعتراضی خانواده‌ها و اعتراضات متعدد داخلی و بین‌المللی، رژیم به بهانه‌های مختلف، از جمله شرط وثیقه‌های سنگین ده‌ها میلیونی، از آزادی بازداشت شدگان، خودداری کرده است.

جمهوری اسلامی با اعمال فشارهای متعدد بر بازداشت شدگان و خانواده‌های آن‌ها، طولانی‌تر کردن دوره بازداشت، تهدید و پرونده‌سازی‌های معمول وزارت اطلاعات و دستگاه قضایی، نه فقط می‌خواهد از پیشروان و فعالین کارگری و همه انسان‌های مبارزی که با جسارت، نظم موجود را به چالش کشیده‌اند، انتقام بگیرد، بلکه با ایجاد جو ارباب مانع از حرکت‌های رادیکال کارگری در آینده گردد. اما بازداشت‌های فعالین سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر به خوبی نشان داده است که این اقدامات رژیم، دیگر نمی‌تواند مانعی بر سر راه تداوم کار فعالینی گردد که جنبش‌های اعتراضی توده‌ای، مدام آن‌ها را در دامان خود پرورش می‌دهند و به جلوی صحنه می‌آورند. سرکوب‌های اخیر رژیم نیز هر آنچه شدید باشد، نه می‌تواند مانع از تداوم فعالیت پیشروان و فعالان کارگری گردد و نه روند رو به رشد همبستگی، آگاهی و مبارزه‌جویی کارگران را سد کند.

اقدام به برگزاری علنی مراسم اول ماه مه، رویدادی جدا و منزوی از شرایط عمومی جنبش کارگری، رشد اعتراضات و مبارزات در این جنبش نیست، بلکه انعکاسی از همین جنبش و روحیه مبارزاتی آن است. ناگفته نماند که گرچه فراخوان به گردهمایی در پارک لاله، در ماه مه امسال، اهمیت و برجستگی ویژه‌ای یافت. اما مراسم اول ماه مه در کردستان، کرمانشاه و در نقطه‌ای دیگر از تهران توسط سندیکای فلزکار – مکانیک نیز برگزار گردید که به مداخله پلیس و بازداشت ده‌ها تن نیز انجامید.

تأکید بر این مسئله که آنچه در اول ماه مه امسال گذشت، انعکاسی از شرایط عمومی حاکم بر جنبش کارگری و رشد روحیه رزمندگی در این جنبش است، البته به این معنا نیست که این مراسم‌ها، مراسم توده‌ای کارگری بودند. روشن است که حتی اگر مراسم اول ماه مه در پارک لاله بدون دخالت و سرکوب پلیس هم برگزار می‌شد، از چند هزار تن فراتر نمی‌رفت. اگر کسی چنین انتظاری در شرایط سرکوب و اختناق عنان گسیخته و ترس و وحشت از اخراج و بیکاری را از توده‌های میلیونی کارگر داشته باشد، انتظاری بی‌جا و بیهوده است. در یک رژیم سیاسی دیکتاتوری عریان، توده‌های وسیع کارگر، تنها هنگامی به تجمعات، راهپیمایی‌ها و تظاهرات میلیونی خود شکل می‌دهند، که توازن قوا را در روند یک جنگ طبقاتی فرسایشی کلاً به نفع خود تغییر داده باشند. با این همه آنچه که در اول ماه مه امسال رخ داد، بازتاب مرحله معینی از همین توازن قوا، سطح آگاهی، تشکل و مبارزه کارگران است.

این که دقیقاً اکنون فراخوان برگزاری علنی مراسم اول ماه مه، با مضمونی ضد سرمایه‌داری، مشترکاً توسط گرایش‌های مختلف درون جنبش کارگری داده می‌شود و نه حتی یکی دو سال پیش، نشان‌دهنده همین واقعیت است. اگر اکنون چنین چیزی امکان‌پذیر شده است، ماحصل مبارزات جنبش کارگری به ویژه در طول چند سال اخیر، در صدها مورد اعتصاب، تظاهرات، راهپیمایی، تجمعات اعتراضی، اشغال کارخانه، راه‌بندان در جاده‌ها و خیابان‌ها، درگیری‌های مستمر با نیروهای سرکوب، ایجاد و گسترش تشکل‌های علنی و مخفی، خلاصه کلام، رشد مبارزات، اتحاد و آگاهی در صفوف توده‌های وسیع کارگر است. در این میان البته باید به تحرکات جنبش بین‌المللی طبقه کارگر و رشد رادیکالیسم آن نیز به عنوان عاملی تأثیرگذار در حرکت اول ماه مه در ایران اشاره کرد. مراسم اول ماه مه امسال در سراسر جهان، به وضوح این چرخش رادیکال در جنبش بین‌المللی طبقه کارگر را نشان داد.

بحران عمیق اقتصادی جهان که تأثیرات بسیار وخیمی بر شرایط زندگی کارگران جهان بر جای گذارده است، از نیمه دوم سال گذشته منجر به گسترش اعتراضات و رشد مبارزات در بسیاری از مهم‌ترین کشورهای سرمایه‌داری جهان شده است. اول ماه مه امسال، تجلی آشکار این اعتلا و رشد رادیکالیسم در جنبش کارگری جهان بود. میلیون‌ها کارگر در اغلب کشورهای جهان، با راهپیمایی‌ها، تظاهرات و اجتماعات، نارضايتی و اعتراض خود را نسبت به نظم سرمایه‌داری جهانی ابراز داشتند. تعداد شرکت‌کنندگان مراسم اول ماه مه امسال، بسیار فراتر از سال‌های گذشته بود. کارگران آشکارا خواهان برافتادن نظام سرمایه‌داری و برقراری سوسیالیسم شدند. پس از فروپاشی بلوک شرق در اواخر سده بیستم، این نخستین بار بود که کارگران در یک اقدام اعتراضی بین‌المللی، در ابعادی توده‌ای، آشکارا نظام سرمایه‌داری را نفی و از استقرار سوسیالیسم دفاع می‌کردند. جنبش کارگری در ایران نیز چیزی جدا از جنبش بین‌المللی کارگری نیست. این روند عمومی رشد رادیکالیسم در جنبش کارگری جهان، تأثیرات غیر قابل انکاری بر رشد رادیکالیسم در جنبش کارگری ایران داشته و خواهد داشت. با این همه، آنچه که در اقدام کارگران ایران برای برپایی مراسم اول ماه مه، تعیین‌کننده بوده و هست، رشد اتحاد، آگاهی طبقاتی و ارتقای روحیه مبارزاتی در صفوف جنبش کارگری ایران، در نتیجه سیر تحولات درونی این جنبش در طول سال‌های اخیر است. دقیقاً همین نکته است که تمام اقدامات سرکوب‌گرانه‌ی رژیم پاسدار نظم سرمایه‌داری در ایران را برای مهار و کنترل این جنبش، نقش بر آب نموده و بی‌تردید، تمام فشارهای کنونی بر بازداشت شدگان اول ماه مه نیز تغییری در اوضاع به نفع رژیم ایجاد نخواهد کرد.

ارتجاع طبقاتی و مذهبی بیهوده می‌پندارد که با سرکوب و دریند کردن مبارزان و فعالان کارگری، پیروز میدان جنگ است. ضربه‌ای که کارگران، در اول ماه مه امسال بر ارتجاع وارد کردند، نتایج‌اش را به زودی آشکار خواهد ساخت. کارگران با فراخوان به برگزاری علنی مراسم اول ماه مه، نظام سرمایه‌داری را با صدایی بلند و کلماتی رسا به محاکمه کشیدند و آشکارا به آن اعلان جنگ دادند. جنگ واقعی هنوز در پیش است.

نقل از کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) - شماره ۵۴۹ نیمه دوم اردیبهشت ۸۸